

به نام خدا

پشیر

مجموعه‌ی شعرهای محلی با لهجه‌ی
رابر، اسفندقه و ساردوئیه

همتعلی زرین کلاه

سرشناسه : زرین کلاه، همتعلی، ۱۳۳۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : پشیر : مجموعه‌ی شعر محلی با لهجه‌ی رابری/همتعلی زرین کلاه.
 مشخصات نشر : کرمان: انتشارات فرهنگ عامه، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۲۲ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 شابک : ۱۲۰۰۰۰۰ ریال ۶-۹۴-۹۹۰۷-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت : شعر محلی رابری
 عنوان دیگر : مجموعه‌ی شعر محلی با لهجه‌ی رابری.
 موضوع : شعر فارسی -- ایران -- کرمان (استان) -- قرن ۱۴
 موضوع : Persian poetry -- Iran -- Kerman (Province) -- 20th century
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Persian poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۶ :
 رده بندی دیویی : ۸۱۴/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۳۶۸۰۸
 اطلاعات رکورد کتابشناسی فیپا :

www.ketab.ir

فرهنگ عامه

پشیر
 همتعلی زرین کلاه
 قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان
 شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
 چاپ و صحافی: پارس
 شابک: ۶-۹۴-۹۹۰۷-۶۰۰-۹۷۸

دفتر مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، روبروی پاساژ مهستان، بن بست
 سرو، شماره ۱۰، واحد ۴ تلفکس: ۶۶۴۸۶۱۴۸ - ۰۲۱
 دفتر کرمان: شهرک باهنر، بحر العلوم ۱۴، مجتمع مس، بلوک ۱، واحد زیر زمین
 همراه: ۰۹۱۳ ۹۳۹ ۸۷ ۳۳
 Email: farhange_amc@yahoo.com



یادداشت مدیر کل

وقتی ذهن سیال و خلاق شاعری خوش ذوق و قریحه، پا در حریم سرخ شهادت می نهد و از کوچه باغ های باشکوه آن عبور می کند، حاصل آن اثری فاخر و ارزشمند در قالب اوراق و در هیئت کتابی زیبا جلوه می نماید که شوق پر سه زدن در لابه لای واژگان و خطوطش، فرزندان شور و شعور و احساس را به وجد می آورد.

خاصه بن مایه ی و موضوع اشعار بر محور بیان شخصیت و وصف حال شهیدی وارسته چون حاج قاسم سلیمانی استوار باشد و زبان و لهجه ی سرایش، همان باشد که آشنا و مانوس این شهید عزیز بوده است.

دیار دیرین رابر همان خطه ی خوش اقبالی ست که خاستگاه بزرگمردانی شریف چون سردار دلها حاج قاسم بوده و حکایت شیرین آن اسطوره ی روزگار و حماسه آفرین غیور و نشو و این زمانه عجیب را در بطن پاک خود برای همیشه محفوظ داشته است.

کتاب حاضر، زاده ی فکر و چکیده ی دل پاک شاعری ست که با سرودن اشعار به لهجه ی محلی رابر و با درونمایه و موضوع وصف و بزرگداشت شهید حاج قاسم سلیمانی، در واقع دو مفهوم ناب را با هم و در کنار هم تلفیق و متبلور نموده است، که یکی نماد زیباترین پدیده و اتفاق تمام روزگاران یعنی شهید و شهادت و دیگری نماد فرهنگ و سنت دیرین و شیرین است و این دو در کنار هم ارزش و بهایی مضاعف به کتاب می بخشند.

این همه فارغ از جنبه ی بررسی به لحاظ رعایت قالب و قواعد شعری و سبک و شیوه ی مرسوم در به کارگیری زبان شعر برای بیان احساسات شاعر است که مجال و مبحث و مقوله ای جدا را می طلبد.

باید این اندیشه ورزی و خلاقیت هدفمند را ارج نهاد و حاصل آن را به

عنوان بازتاب تفکر و تعهدی وجیه خواند و به نیت و آرمان پاسداشت حرمت شهید و شهادت التفاظ کرد .

تبیین رشادت ، شجاعت ، پاکی ، سادگی و ایثار آن شهید عزیز که برای دفاع از حریم اهل بیت عصمت و طهارت - ع - و حفظ آیین و شریعت پاک اسلام واقعی تا سرحد نثار جان پیش رفت ، به هر زبان و لهجه ای یک توفیق الهی ست .

تجسم سیمای نجیب و مهربان دلاورمرد مدافع حرم و مبارز خستگی ناپذیر تمام عرصه های نبرد حق و باطل در آئینه ی شعر ، رسالتی ست برای دارندگان ذوق و قریحه ی شعر و ادبیات که محرک انگیزه های بیشتر در این وادی و در راستای توسعه تکاملی ادبیات مقاومت و پایداری باشند .

این جانب ضمن تقدیر از تلاش و تعهد این شاعر خوش فکر ، همگان را به خواندن اشعار لطیف این مجموعه دعوت می نمایم .

انشالله شاهد موفقیت های بیشتر این بزرگوار و تمام پویندگان گستره ی نورانی شعر و شعور دینی و ولایی باشیم .

محمد رضا علیزاده احمدآبادی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان



۹	مقدمه
۱۳	پیشگفتاری برای لهجه ی مادری
۱۷	قد اُو
۱۹	ختنه سیرون
۲۰	یاد قدیم
۲۱	پیش وادی نداری
۲۲	هوای مشکبار شهرم
۲۶	دی پیروز
۲۷	کرمان و شهر من
۲۸	تاغسون
۲۹	ایلیات و معلم عشایری
۳۲	کوچ
۳۴	یاد کودکی
۳۵	خاطره
۳۸	نوروز خاطره
۴۰	غشمال
۴۰	مود
۴۰	سال ترو
۴۱	تو که شگر خدا خرجی نداری
۴۲	خاطرات و پنجره
۴۴	گندم پاک کنون
۴۵	نان کلو

۴۶	چندسالی دیرتر.....
۴۸	بوی کال شاطره.....
۴۹	گودی باغا.....
۵۰	مازو.....
۵۱	نان تیری.....
۵۲	یاس و احساس جوانی.....
۵۴	بحر آسمون و کاسبی.....
۵۷	ماهتاب.....
۵۸	طعم چای آتشی.....
۶۰	ننیز.....
۶۱	ساگنو.....
۶۲	صدای ناز آب.....
۶۴	اُماچو.....
۶۶	لبو.....
۶۸	باغ های تو در تو.....
۷۰	بلبلان بی قرار.....
۷۱	دعوای ملکی.....
۷۲	کارپسوی نداری.....
۷۳	اولاد.....
۷۴	عاروسکشون.....
۷۵	گردو کاما نمیدم.....
۷۶	گردو تکونی.....

۷۷	بوی خرمن
۷۸	فلونی
۷۹	گروزمه
۸۰	پارچینی
۸۱	مله گرزه
۸۳	صدای ناز باران
۸۵	ورشون
۸۶	دختر همسایه
۸۷	دومادون
۸۸	پنجاه سال قبل
۸۹	لل کوگ
۹۰	خرجکا
۹۱	موسیقی یاد
۹۲	دستمال سر
۹۳	زمستان قدیم
۹۴	گاچوی کلا
۹۶	قوتو
۹۷	پشیر
۹۹	رقص بید
۱۰۰	نوروز
۱۰۱	بیابون
۱۰۲	گودال

۱۰۳.....	ایل پایین.....
۱۰۴.....	خلاشه.....
۱۰۵.....	مهر جون.....
۱۰۶.....	دمبال.....
۱۰۷.....	نه بیکارم به رابر.....
۱۰۸.....	بُرمیش.....
۱۰۹.....	چله.....
۱۱۰.....	خوش آمدی.....
۱۱۲.....	باران.....
۱۱۴.....	صاعقه.....
۱۱۶.....	آبسر.....
۱۱۷.....	شکوه بهاران.....
۱۱۸.....	شهر من.....
۱۱۹.....	وصف استان کرمان.....
۱۲۱.....	تقدیم به دکتر.....
۱۲۳.....	یاد داری.....
۱۲۵.....	کم‌برازه.....
۱۲۶.....	بارشت.....
۱۲۷.....	بزینه.....
۱۲۸.....	بشکاره.....
۱۲۹.....	گرگا.....
۱۳۰.....	حاج قاسم.....

۱۳۵.....	عروسی دیوران.....
۱۳۷.....	خاطرات کاسبی من و کاکام.....
۱۳۹.....	کُفته و کهره.....
۱۴۳.....	هیزم رفتن من و داراب.....
۱۴۵.....	بافتیا برقا رو بردن.....
۱۴۷.....	روز عید.....
۱۴۸.....	همکلاسی.....
۱۵۱.....	سال دردی.....
۱۵۲.....	بره و میش.....
۱۵۳.....	واژه نامه.....
	عاشقانه ها
۱۷۸.....	زخم.....
۱۸۰.....	بهانه.....
۱۸۱.....	برایم دلبری کن.....
۱۸۲.....	رقص زیبا.....
۱۸۳.....	دست های آلوده.....
۱۸۵.....	یکشنبه.....
۱۸۶.....	کوچه های شهیدان.....
۱۸۸.....	مرگ آهو.....
۱۹۲.....	قسم.....
۱۹۳.....	غزل قافیه.....
۱۹۴.....	زندگی مطلوب نیست.....



مقدمه

چون ز گهواره بیرونم آورد
مادرم سرگذشت قومی گفت
بر من از رنگ و روی تو می زد
دیده از جذبه های تو می خفت

«نیمایوشیچ»

از زمانی که در سال ۱۸۴۸ میلادی، برای اولین بار، آمبروز مِرتن واژه «فولکلور» را به معنای دانش عامیانه و دانستنی های توده مردم تغییر کرد، که ستون پایه فرهنگی جامعه را شکل می دهد، دیری نباید که این مفهوم مهم، راه خود را در درون تمام زبان های بشری باز کرد. «صادق هدایت»، این مفهوم را حدود یک قرن پیش، در فواید گیاهخواری (۱۳۰۶ هـ.ش) و «نیرنگستان» (۱۳۱۲ هـ.ش) به کار برد و «ارشید یاسمی» در مجله «تعلیم و تربیت» فولکلور را به مثابه ی فرهنگ توده و مجموعه ی دانستنی های عامیانه معرفی کرد.

در خصوص اهمیت ادبیات فولکلور «همین بس» که فردیناند دو سوسور، که از او به عنوان پدر علم زبان شناسی ساختاری تعبیر می شود، در مقدمه معروفش در کتاب «اصول زبان شناسی» می گوید: «اصلی ترین عامل تمایز انسان و دیگر جانداران زبان پیشرفته ی بشر» است و زبان در قالب ادبیات و هنر بیان می شود و ادبیات، از طریق تراوش های ذهنی و عینی خردمندان، ادبا و شعرا، به بهترین وجه، در قالب فولکلور یا فرهنگ عامه، تجلی یافته، از نسلی به نسل دیگر، در قالب ادبیات شفاهی و مکتوب منتقل می گردد!» «جامعه شناسی ادبیات» که از آن، به «اجتماعیات در ادبیات» نیز تعبیر می شود، می کوشد تا با استخراج مفاهیم اجتماعی از آثار ادبی، تصویری از فرهنگ و دانش عامیانه هر عصر را به دست دهد.